

# فلسفہ چامسکی

مورتون ایمنیوئل وینستون

ترجمہ

احمد رضا تقاء

فرہنگ نشر نو  
با همکاری نشر آسیم  
تہران - ۱۳۹۸

## فهرست

پیشگفتار مجموعه / ۷  
دیباچه / ۱

### ۱. پیدایش یک ناراضی / ۵

- شرایط رشد ..... ۵  
دوران رشد و اثرپذیری‌های نخستین ..... ۸  
تحصیل در دانشگاه پنسیلوانیا ..... ۱۴  
انجمن فرهیختگان دانشگاه هاروارد ..... ۲۱

### ۲. چرخش چامسکیایی در زبان‌شناسی / ۲۵

- مسیر خردگرایی ..... ۲۵  
ساخت‌های نحوی ..... ۲۷  
انتقاد از رفتارگرایی ..... ۳۶  
نظریه معیار ..... ۳۹  
زبان‌شناسی دکارتی ..... ۴۷  
زبان و ذهن ..... ۵۵  
برنامه کمینه‌گرا ..... ۶۶  
میراث فکری چامسکی ..... ۷۱

## پیدایش یک ناراضی

فلاسفه تنها دنیا را به طرق مختلف تعبیر و تفسیر کرده‌اند، حال آنکه موضوع تغییر دادن آن است. کارل مارکس، تزهایی در باب فوئرباخ، بخش ۱۱ (۱۸۴۵)

### شرایط رشد

نوام چامسکی فیلسوفی زبان‌شناس، و منتقدی اجتماعی است که آثارش حول محور مسائل مربوط به دانش انسان و آزادی او دور می‌زند. او متعلق به سنت دانشمند-سیاست‌ورزان است، سنتی که افرادی چون کارل مارکس، جان دیویی، آلبرت آینشتاین، و برتراند راسل را شامل می‌شود. چامسکی استعداد و توانش را نه تنها صرف کوشش برای درک شالوده‌های دانش و خلاقیت در درون نهاد آدمی، که مصروف تغییر شرایط اجتماعی عصر با هدف رهاسازی استعدادهای خلاقانه انسان نیز کرده است. تعقیب این آرمان انسان‌گرایانه هم در عرصه علمی و هم در عرصه سیاست‌ورزی در طول دوران فعالیت چامسکی ثابت مانده و کلید فهم وحدت و انسجام اندیشه اوست.

چامسکی در فعالیت‌های علمی و پژوهشی‌اش در زمینه زبان‌شناسی و حوزه‌های وابسته بر مسئله درک توانایی انسان در فراگیری زبان طبیعی تمرکز داشته و در نوشته‌های سیاسی‌اش کوشیده اشکال خاص سلطه و سرکوب را که ویژگی هژمونی جهانی امریکا در نیمه دوم قرن بیستم بوده افشا کند. درک رابطه میان این دو جنبه از کار او گاه دشوار است. چامسکی خود متذکر شده که لزوماً نباید پنداشت که بین این دو رابطه‌ای قوی وجود دارد.<sup>۱</sup> اما به باور من دارد. خود چامسکی در سال ۱۹۷۱ در سخنرانی‌هایش در بزرگداشت راسل در کالج ترینیتی<sup>۲</sup> کیمبریج به‌همین نوع پرسش پرداخت. او گفت راسل (که عکس‌هایش زینت‌بخش دفتر کار چامسکی است) فیلسوفی بوده که «هدفش علاوه بر تفسیر جهان تغییر آن هم بوده»، و سپس این پرسش را مطرح ساخت: «آیا بین مطالعات فوق‌العاده متنوع راسل که در مجموع هر مسئله واجد کمال اهمیت انسانی را دربر می‌گیرند رشته مشترکی وجود دارد؟ به‌خصوص آیا بین اعتقادات فلسفی و سیاسی او پیوندی هست؟» [PKF x-xi]. چامسکی در سخنرانی دومش حلقه مفقوده بین معرفت‌شناسی تجربه‌گرایانه راسل و عقاید سیاسی او را در تلقی انسان‌گرایانه او از طبیعت ذاتی و قوه خلاقه آدمی سراغ می‌گیرد. در مورد چامسکی حلقه اتصال دو جنبه فلسفه او در برداشت خاص خردگرایانه او از هوش انسان نهفته است، که البته با نگرش

۱. چامسکی گفته: «کاش می‌شد، که مسلماً نمی‌شود، از دریافتمان از طبیعت انسان استنتاج کنیم که مرحله بعدی تکامل اجتماعی حتماً چنین است یا چنان است. اما این کار شدنی نیست و نهایتش بتوانیم به رشته‌های ارتباطی باریک خیلی سستی برسیم که برای افراد معنا و مفهومی داشته باشد» [LP 245] نقل شده در:

McGilvray, *Chomsky: Language, Mind, and Politics*. Malden, MA: Polity Press, 1999, p. 10.

2. Trinity College

تجربه‌گرایانه راسل کاملاً متفاوت است. خردگرایی چامسکی بر انحصاری بودن و ریشه‌های بیولوژیک شناخت [معرفت] انسان تأکید دارد، ضمن آنکه اذعان می‌کند توانایی‌های شناختی<sup>۱</sup> فطری ما انسان‌ها نیز شالوده‌رشد خلاقانه درک ما از جهان و خودمان را فراهم می‌آورند. در سال ۱۹۷۰ می‌نویسد: «هنگام کاوش درباره برخی از آشناترین دستاوردهای هوش انسان – مثل استفاده معمولی از زبان – ما به ناگاه به ماهیت خلاق انسان‌ها و ماهیت خلق آزادانه در چارچوب نظامی از قواعد پی می‌بریم. راسل معتقد بود که نگاه انسان‌گرایان به کودک همچون نگاه باغبان است به نهال، یعنی موجودی با یک طبیعت ذاتی خاص که چنانچه خاک و هوا و نور مناسب داشته باشد هیأتی ستودنی می‌یابد» [PKF 50-51]. بر پایه استلزامات همین استعاره باغبانی تلاش چامسکی در آثار علمی‌اش معطوف بوده است به درک و فهم این خصوصیات ذاتی ذهن انسان که رشد شناختی خلاقانه را امکان‌پذیر می‌سازند. اما او درعین به‌پیش بردن یک برنامه پژوهشی علمی نقش باغبانی دلسوز را هم ایفا کرده، آن‌هم از طریق مخالفت با نظام‌های نامشروع کنترل سیاسی و اقتصادی که به باور او انسان‌ها را از شرایط مناسب برای حفظ کرامت انسانی و از قوه به‌فعل درآوردن قابلیت‌هایشان محروم می‌سازند. در مورد خود چامسکی باید گفت که پیشینه خانوادگی، دوران کودکی و تحصیلات دانشگاهی‌اش تأثیری بسزا بر رشد فکری او داشته و تا حدی به ما می‌فهماند که چرا نوام چامسکی به جایگاه منحصربه‌فرد معروف‌ترین روشنفکر ناراضی امریکایی دست یافته است.

### دوران رشد و اثرپذیری‌های نخستین

پدر نوام چامسکی، دکتر ویلیام چامسکی، در سال ۱۹۱۳ از زادگاهش روسیه به آمریکا مهاجرت کرد و در بالتیمورِ مریلند اقامت گزید و در دانشگاه جانز هاپکینز<sup>۱</sup> به تدریس زبان عبری مشغول شد. او پس از ازدواج با الزی سیمونوفسکی<sup>۲</sup>، مادر چامسکی، به فیلادلفیا نقل مکان کرد و در آنجا هر دو به تدریس زبان عبری در مدرسه مذهبی میکوه ایزرییل<sup>۳</sup> مشغول شدند.<sup>۴</sup> آورام نوام چامسکی فرزند اولشان بود؛ او و برادر کوچکش دیوید در خانه‌ای بزرگ شدند که پر بود از بحث‌های پرشور روشنفکری. هدف اصلی والدینش در زندگی کمک به تربیت افرادی بود «برخوردار از انضباط و آزادی و استقلال فکری. دل‌مشغول بهبود و پیشرفت اوضاع دنیا، و مشتاق افزودن بر ارزش و معنای زندگی تک‌تک انسان‌ها.»<sup>۵</sup> از موفقیت‌هایی

1. Johns Hopkins
2. Elsie Simonofsky
3. Mikveh Israel

۴. دکتر چامسکی، پدر نوام، پژوهنده برجسته زبان عبری بود که سی و هفت سال ریاست هیأت علمی کالج گراتس را برعهده داشت و استاد زبان عبری کالج دراپسی، مرکز تحصیلات تکمیلی یهودشناسی و سامی‌شناسی بود. او نویسنده کتاب‌هایی است چند، از جمله شیوه تدریس عبری در مقاطع ابتدایی (۱۹۴۶) و عبری زبان جاوید (۱۹۵۷).  
۵. برگرفته از مصاحبه‌ای با دکتر ویلیام چامسکی اندکی پیش از درگذشت وی در سال ۱۹۷۷. از:

Carlos Otero. "Chomsky and Libertarian Tradition: a Renewed Egalitarian Vision, a Coherent Social Theory and Incisive, Up-to-Date Analysis", p. 5.

در:

Carlos P. Otero Ed. *Noam Chomsky: Critical Assessments*. 4 volumes. London: Routledge, 1994.

نقل شده در:

←

که پسر بزرگشان بعدها به دست آورد می توان نتیجه گرفت که آنان در این راه به توفیقی ستودنی دست یافته‌اند.

نوام تحصیلات رسمی‌اش را پیش از دو سالگی آغاز کرد. والدینش او را در مدرسه روزانه اوک لین کانتري<sup>۱</sup> ثبت‌نام کردند؛ این مدرسه زیر نظر دانشگاه تمپل<sup>۲</sup> بود که سخت متأثر از فلسفه آموزشی جان دیویی بود. به گفته چامسکی در این دوره تحصیلات ابتدایی «اهمیت فوق‌العاده‌ای برای خلاقیت فردی قائل بودند، آن‌هم نه به معنای کاغذ سیاه کردن، بلکه به معنای انجام دادن آن نوع کار و تفکری که خود آدم بدان علاقه داشت.»<sup>۳</sup> نوام از همان عنفوان کودکی علاقه‌ای وافر به کتاب داشت و آثار کلاسیک ادبیات جهان مثل آثار دیکنز، داستایفسکی، تالستوی و دیگران را با ولع می‌خواند. سر کلاس‌های عبری والدینش هم مرتباً حاضر می‌شد و از همان عنفوان کودکی ادبیات عبری را مطالعه می‌کرد. محفل دوستان و بستگان خانواده چامسکی عمدتاً متشکل بود از «دموکرات‌های معمولی طرفدار روزولت»، ولی او این فرصت را هم داشت که صهیونیست‌های دوآتشه، سران اتحادیه‌های کارگری، چپ‌های موافق بولشویک‌ها، سوسیالیست‌های مخالف بولشویک‌ها، و آنارشویست‌ها را هم ببیند. دوران بلوغ نوام مصادف بود با دوران رکود اقتصادی در امریکا و او از روزهایی یاد می‌کند که «مردم می‌آمدند دم در قالیچه و سیب بفروشنند» و از نزدیک شاهد برخورد شدید پلیس ضدشورش

→

David Barsky, *Noam Chomsky: A Life of Dissent*. Cambridge, MA: MIT Press, 1998, p. 11.

1. Oak Lane Country

2. Temple University

۳. مصاحبه با جیمز پک در:

James Peck Ed., *The Chomsky Reader*. New York: Pantheon Books, 1987, p. 5.

با کارگران اعتصابی صنایع پوشاک بوده؛ وقایعی که به گفته خودش سهمی بسزا در رشد شعور سیاسی و اجتماعی او داشته‌اند.<sup>۱</sup>

اولین اثر چاپ‌شده چامسکی کمی پس از سالروز ده سالگی او درآمد؛ مقاله‌ای درباره سقوط بارسلون در جریان جنگ داخلی اسپانیا که برای روزنامه مدرسه نوشته بود. او بعدها گفت این اتفاق «آن موقع مسئله بزرگی در زندگی‌ام بود» و بعید نیست وجود گرایش‌های اختیارگرایانه و آنارشستی در فلسفه سیاسی آینده او نیز ناشی از همین اتفاق بوده باشد.<sup>۲</sup> قیام مردم اسپانیا او را متقاعد ساخت که تجلی خودجوش و دموکراتیک اراده مردم بر ضد نظام‌های ستمگر، بدون تبعیت از هرگونه ایدئولوژی رسمی یا پیروی از نخبگان حزبی، امکان‌پذیر است. اما سقوط بارسلون به او آموخت که امکان سرکوب بی‌رحمانه این قبیل جنبش‌های سیاسی مردمی خودجوش به دست قدرت‌هایی که خواهان استفاده از زور در حل و فصل مسائل هستند نیز وجود دارد. چامسکی از ده سالگی از این نوع سرکوب‌های سیاسی بی‌رحمانه منقلب می‌شد و وجدانش به درد می‌آمد و «همیشه جانب بازندگان – مثلاً آنارشئیست‌های اسپانیا – را می‌گرفت.»<sup>۳</sup> چامسکی در نوجوانی با اندیشه‌های رودولف روکر<sup>۴</sup>، آنارشئیست یهودی و نویسنده کتابی اثرگذار درباره جنگ داخلی اسپانیا با نام *تراژدی اسپانیا*<sup>۵</sup>، و آثار مارکسیست‌های سوسیال‌دموکرات مانند کارل لیبکنشت<sup>۶</sup>، روزا لوگزامبورگ<sup>۷</sup> و کارل کورش<sup>۸</sup> آشنا شد.

1. Barsky, *Noam Chomsky*. Op.cit., p. 15.

2. Barsky, *Noam Chomsky*. Op.cit., pp. 17-19.

3. Peck, *The Chomsky Reader*, Op.cit., p. 13.

4. Rudolf Rucker

5. *The Tragedy of Spain*

Sidney Hook Ed., *Language and Philosophy: A Symposium*. New York: New York University Press, 1969, p. 138.

7. Rosa Luxemburg

8. Karl Korsh



چامسکی جوان همچنین دو کتاب از جورج اورول خواند: *قلعه حیوانات*<sup>۱</sup>، تمثیلی سیاسی که به نظرش اثری «جالب ولی کم عمق» آمد و *درود بر کاتالونیا*<sup>۲</sup>، روایت اورول از جنگ‌های داخلی اسپانیا. این دومی اثری عمیق بر چامسکی جوان گذاشت و باور او به امکان موفقیت انقلاب آنارشیستی یا آزادی خواهانه چپ، در صورت سرکوب نشدنش به دست فاشیسم، را تأیید کرد. چامسکی قطعاً مخالف فاشیسم بود، ولی هیچ چیزی دال بر این وجود ندارد که کمترین گرایش به لنینیسم یا استالینیسم داشته است، چراکه به باور او دیکتاتوری اقتدارگرایانه حزب کمونیست هم قسمی از اقسام استبداد بود. از سوی دیگر، با آنکه غرب سرانجام با فاشیسم نازی وارد جنگ شد، او هیچ‌گاه آن‌چنان تحت تأثیر لیبرالیسم دموکراتیک بورژوازی نیز قرار نگرفت، چون در مورد ایالات متحده معتقد بود در کشورهایی که سرمایه داری دولتی بر آنها حاکم است جامعه زیر سلطه شرکت‌های چندملیتی است. چامسکی از همان آغاز با اندیشه‌های سیاسی آنارشیسم، سوسیالیسم اختیارگرایانه چپ، یا دموکراسی رادیکال همدلی داشت، که همگی طرفدار گونه‌هایی از سازمان‌مندی سیاسی هستند که در آنها مردم فارغ از استیلا هرگونه طبقه نخبه حاکم زمام امور خود را در دست دارند. به گفته دیوید بارسکی<sup>۳</sup>، نویسنده زندگی‌نامه چامسکی، «دلیل روی آوردن چامسکی به اندیشه‌های اختیارگرایانه چپ یا آنارشیستی سرخوردگی از اندیشه‌های لیبرالی نبود، بلکه او ابتدا به ساکن از همین اندیشه‌ها شروع کرد»<sup>۴</sup>.

1. *Animal Farm*

2. *Homage to Catalonia*

3. David Barsky

4. Barsky, *Noam Chomsky*. Op.cit., pp. 25-26.

چامسکی پس از اتمام تحصیل در مدرسه روزانه اوک کانتری وارد دبیرستان سنترال<sup>۱</sup> فیلادلفیا شد و در آنجا بود که مطمئن شد دانش‌آموز خوبی است، چون برای اولین بار در امتحانات شرکت کرد و نمره‌های خوبی هم گرفت. باین حال تجربه دبیرستان برایش عذاب‌آور بود و از تأکید بر رقابت میان دانش‌آموزان برای کسب نمره و آنچه به نظرش نظامی تلقینی و بازدارنده تفکر خلاقانه و مستقل می‌آمد نفرت داشت. چامسکی به شوق رویارویی با اندیشه‌هایی پربارتر آخر هفته‌ها به نیویورک می‌رفت؛ شوهرعمه‌اش آنجا در خیابان ۷۲ غربی یک دکه روزنامه‌فروشی داشت که به‌نوعی پاتوق روشنفکران یهودی چپ محسوب می‌شد. چامسکی در این روزهایی که در نیویورک می‌گذراند با افکار فروید، باطن‌پردوز و کلک سیاست‌های مارکسیستی، جنبش کارگری طبقه کارگر در امریکا و مسلماً خیلی چیزهای دیگر آشنا شد. سرمشق دیگر چامسکی در این دوره برتراند راسل بود که آثارش در حوزه‌های منطق و فلسفه زبان بر تفکرات آینده چامسکی در زمینه دستور زبان‌شناختی اثرگذار بود (به‌خصوص نک. ساخت منطقی نظریه زبانی<sup>۲</sup>)، و ورود در فعالیت‌های سیاسی هم چامسکی را به این باور رساند که همبستگی با ستم‌دیدگان، ولو آنکه مستلزم ازخودگذشتگی در عرصه‌های شخصی و حرفه‌ای باشد، انتخاب درست روشنفکران شرافتمند و اخلاق‌مدار است. چامسکی در اواخر دوران نوجوانی تحت‌تأثیر

1. Central High School

2. *The Logical Structure of Linguistic Theory*

افکار دوايت مک‌دانلد<sup>۱</sup>، منتقد ادبی و سردبیر نشریه چپ پالیتیکس<sup>۲</sup> بین سال‌های ۱۹۴۴ و ۱۹۴۹، قرار گرفت. سال‌ها بعد چامسکی تعریف کرد که مقاله‌ای از مک‌دانلد با موضوع مسئولیت‌پذیری جمعی مردم آلمان و ژاپن به سبب جنایات جنگی حکومت‌هایشان او را با این سؤال مواجه کرد که آیا نباید همین نوع مسئولیت را به سبب بمباران غیرنظامیان و نابودی اتمی هیروشیما و ناگازاکی به پای مردم امریکا نوشت: «برای هر کسی که تکوین شعور سیاسی و اخلاقی‌اش متأثر از وقایع هولناک دهه ۱۹۳۰، جنگ در اتیوپی، پاکسازی در روسیه، "واقعۀ چین"، جنگ داخلی اسپانیا، فجایع نازی‌ها، واکنش غرب به این وقایع و دست داشتنش در بعضی از آنها بود این پرسش‌ها پرسش‌هایی بس پراهمیت و تألم‌برانگیز بودند.»<sup>۳</sup> چامسکی در همان اوایل اعتمادش را به تبلیغات جنگی حاکم بر رسانه‌های جریان اصلی امریکا از دست داد. او در پی یافتن دیدگاه‌های سیاسی بدیل به سراغ تفکر چپ رفت و این عادت را در خود پروراند که برای ارزیابی تمامی حکومت‌ها، صرف‌نظر از اینکه خودشان یا ایدئولوژی‌شان را قبول داشته باشد یا نه، معیار اخلاقی واحدی به کار بندد و آن اینکه کرده‌های آنها را ملاک قرار دهد نه گفته‌هایشان را.

1. Dwight MacDonald

2. *Politics*

3. Chomsky, APNM, p. 324

## تحصیل در دانشگاه پنسیلوانیا

چامسکی تحصیلاتش در مقطع لیسانس را در سال ۱۹۴۵ که شانزده سال بیش نداشت در دانشگاه پنسیلوانیا<sup>۱</sup> شروع کرد. او خوابگاه نگرفت و برای آنکه خرج تحصیلش را درآورد شب‌ها و آخر هفته‌ها زبان عبری تدریس می‌کرد. زمینه تحصیل او ابتدا دروس عمومی هنر، علوم انسانی، علوم طبیعی و علوم اجتماعی بود، ولی چندی نگذشت که به استاد فلسفه‌اش، سی. وست چرچمن<sup>۲</sup>، و استاد عربی‌اش، جورجو لوی دلا ویدا<sup>۳</sup>، گرایش یافت. این دومی به‌خصوص این باور را در او پدید آورد که همکاری میان اعراب و یهودیان بر پایه نوعی الگوی سوسیالیستی اختیاریانه در سرزمین فلسطین امکان‌پذیر است. نارضایتی از فرهنگ نخبه‌گرا و رقابت حاکم بر فضای دانشگاه پنسیلوانیا چامسکی را به این فکر انداخت که درس و تحصیل را رها کند و به فلسطین برود و به یکی از کیبوتص‌های آنجا ملحق شود. اما در سال ۱۹۴۷ دو اتفاق او را به ماندن در فیلادلفیا ترغیب کرد: علاقه‌مند شدنش به دوست دوران کودکی و همسر آینده‌اش، کرول دوریس شاتس<sup>۴</sup> و ملاقات با زلیگ هریس<sup>۵</sup>، زبان‌شناسی که تأثیر فکری تعیین‌کننده‌ای بر فعالیت‌های دانشگاهی و پژوهشی چامسکی داشت.

هریس که از آشنایان پدر چامسکی بود از هرجهت شخصیتی کاریزماتیک به حساب می‌آمد. چامسکی درباره او می‌گوید «او انسان

1. University of Pennsylvania
2. C. West Churchman
3. Giorgio Levi Della Vida
4. Carol Doris Shatz
5. Zellig Harris